

سریال تلویزیونی «بابا قدر»

در بهمان جنبه حقیقت بخود گرفت!

بیت

وی همزمان اعتراف کرد: جامعیتی
از انصاف نماند روزی بول و نا انصافه گسری
می در دین از طرف من محبت معارف و نسیه
تاریخ من است که نسیه صور درین حصی از انصاف
مشاهده می شود. (۱)

کتابان شماره ۶۷۵۲

نگارنده باید قبول کنم که تلویزیون
وسایع است که اثر شرف قابل انگاری در روحیات
افراد در جوامع معانی دارد و این واقعیتی است
انکارناپذیر که مسائل ارتباط جمعی در سراسر

توسط بزوهش نامورین آگاهی همندان
(مانند یازدهمین بابا قدر) گشود و دستگیر
تعدد نامورین آگاهی همندان پس از اطلاع از
موضوع هرچو طی معالمت و سعی بابا قدر در
اعضای نامدنی را دستگیر نبودند. بابا قدر
هرچو که گروهی را برای سرقت علم داد بود
در مارچولبی خود اعتراف نمود که تحت تاثیر
سریال تلویزیونی "فریبه" (که نسیهای حجه
از تلویزیون سراسری پخش می شده) فرار گرفته
است. وجود عنوان منکری (ظاهر) باید را
اداره می کرد.

زندگی حیوان گسوسی یکی از موثرترین عوامل ایجاد روابط - حواء مطلوب و حواء باطلوب - است.

آیا واقعا ما نمی توانیم بحای پرورش دادن با بافتلرها و امثال آن که سیم عاشق گمراهی مردم است از این محبوبه قرن بیستم که حتی یکی از بزرگان علمای مهم تکنولوژی و صنعت است برای پرورش و آموزش اخلاقی، فلسفی و اجتماعی که سودمند به حال اجتماع است بهره براری کنیم؟ این ساله مهم برای ما ثابت شده است که این گونه تقلیدها مانع از باخود باعث ایجاد تاخلفات و اختلالات و برهم زدن نظم روحی و فکری در جامعه ما می باشد. زیرا ما روحیاتی جدا و مستقل از روحیه جمعی نمی داریم. اجتماع ما در مجموعه فرهنگی فلسفی و فلسفی و... خود حیلی فلسفی نواز آبیانی است که تا به امروز تمدن صنعتی رسیده اند و همچون اسی لحام گسسته هر کجا که می خواهند بسیار کم و بسیار چیزی که به با انگار از خود می گذارند چیزی استمار است. پس چرا ما بهره آمان با فلسفیم عاری صورتی که با اندیشه فوری مستقل و وابسته به خود داریم؟ واگر عده ای از ما در برابر آمان احساس حقارت می کنیم دلیل بر ضعف فرهنگ ما نیست بلکه دلیل بر عده آن عدم تفکر عمیق در باره فرهنگ غنی ما است.

راستی چرا نه این گونه فلسفها اجازه نتایش می دهند و نتوجهی به آثار فلسفی آبروی

اجتماع می شود چرا ما این مسئله هم کمتر توجه می کنند که سازندگان و کارگردانان این گونه فیلمها و سریالها فقط جنبه تفریحی و پرکردن حس خود را در نظر گرفته اند و ارتباط اخلاقی و اجتماعی آن اطلاق ندارند؟

بقیه انسان معاصر کودکان نمی اندیشد

ماسیم . از تاثیر الکل و شراب و همه قسم افراط و بلاخره از اعتیادات ناشی می گردد. بلا تک رابطه ای بین میزان مصرف الکل و ضعف فکری یک اجتماع وجود دارد. از میان تمام مللی که به کارهای عالی انسانی می کنند در فرانسه بیشتر از همه مشروبات می خوردند و کمتر از همه جایزه نوبل می گرفتند بدون تردید سینما، رادیو و تکنی برانه های درسی در بحران فکری فرانسه

سیستم (۱۰۰) (۱۱)

تنها بر صورتی انسان معاصر در تمدن صحیح و موفق ماضی می نماید و بتواند سعادت مند گردد که در نهادش مظاهر مادی و علوم بود آنها رشد عقلانی و کمال انسانی او نیز در تکامل و پیشرفت باشد و بهره برداری و کنترل ماده در اختیار عقل و ایمان قرار گیرد و با این گونه مفاد جدا مبارزه شود.

(۱) راه و رسم زندگی من ۱۲